

تنتها روزنامه مکتوب گردشگری جهان

گردشگران

دیدگاه جای خالی بازار چه‌های صنایع دستی در خراسان شمالی

علی عزیزی / استان خراسان شمالی، گنچینه فرهنگ‌ها، یکی از مناطق کهن و فرهنگی ایران‌زمین است که در دل خود مجموعه‌ای از هنرهای اصیل و مردمی را جای داده است. تنوع قومی در این استان، ازجمله اقوام ترکمن، کرمانج، تات، ترک و فارس، سبب شده تا هر گوشه از آن رنگ‌وبوی خاصی از فرهنگ و هنر ایرانی را در خود داشته باشد. قالی و قالیچه، انواع گلیم و جاجیم‌های رنگارنگ،



سوزندوزی‌های سنتی، سفال، منبت، مشبک و معرق چوب و همچنین انواع سازهای سنتنی تنها بخشی از هنرهای ماندگار مردمان این دیار است. با این‌حال، علی‌رغم این ظرفیت عظیم، بسیاری از هنرمندان خراسان شمالی با مشکل در عرضه آثار خود روبه‌رو هستند و بازار مشخص و پایدارى برای فروش تولیدات آنان وجود ندارد.

ایجاد بازارچه صنایع‌دستی در استان خراسان شمالی ضرورتی است که از هر دو جنبه فرهنگی و اقتصادی قابل دفاع و تأکید است. این بازارچه می‌تواند محلی دائمی برای کردهمایی هنرمندان استان، عرضه مستقیم آثار و برقراری ارتباط میان تولیدکنندگان و خریداران باشد.

از نظر فرهنگی، چنین مرکزی زمینه معرفی بهتر میراث هنری خراسان شمالی را فراهم می‌آورد. در این فضا، گردشگران داخلی و خارجی می‌توانند ضمن خرید آثار، از نزدیک با فرایند تولید آن‌ها آشنا شوند و ارزش واقعی هنر دست را درک کنند. این امر موجب ارتقای جایگاه هنرمندان، حفظ اصالت هنرهای بومی و انتقال دانش سنتی به نسل‌های آینده خواهد شد.

از جنبه اقتصادی نیز، بازارچه صنایع‌دستی می‌تواند کانونی برای اشتغال‌زایی پایدار و فرصتی مناسب در جهت بهبود معیشت خانواده‌های صنعتگر باشد. بسیاری از هنرمندان، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار و روستاییان، از این طریق امکان عرضه و فروش محصولات خود را خواهند یافت. همچنین شناخت بهتر سلیقه بازار و مشتری موجب می‌شود تا از تولید محصولات کم‌کاربرد جلوگیری شده و رقابت برای ارائه کالاهای باکیفیت و قیمت مناسب افزایش یابد. افزون بر این، ایجاد بازارچه‌های صنایع‌دستی به رونق گردشگری شهری، افزایش ماندگاری مسافران در منطقه و در نهایت رشد درآمدهای محلی منجر خواهد شد. این بازارچه‌ها همچنین می‌توانند با حمایت نهادهای مرتبط، به مرکزی برای برگزاری جشنواره‌ها، کارگاه‌های آموزشی و رویدادهای فرهنگی تبدیل شوند. وجود چنین فضایی در شهر پجنورد و سایر شهرهای مهم استان، نه‌تنها چهره شهری فرهنگی و گردشگری می‌سازد، بلکه زمینه مناسبی برای برندسازی صنایع‌دستی خراسان شمالی و ورود آن به بازارهای ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند.

بازارچه صنایع‌دستی می‌تواند به‌عنوان قلب تپنده هنر و فرهنگ خراسان شمالی عمل کند؛ مکانی برای نمایش خلاقیت، تبادل تجربه و بازتاب اصالت ایرانی در قالب هنر دست‌ها.

زنانی که از نی و موی بز، دیوار زندگی می‌سازند

مقاطع و نمادهای برگرفته از طبیعت. همین ویژگی ذهنی و بداهه، به چیق چهره‌ای زنده و شخصی می‌بخشد. مهارت در تنظیم فواصل نی‌ها، استحکام گره‌ها و هماهنگی رنگ‌ها نیاز به سال‌ها تجربه و تمرین دارد. بسیاری از زنان بافنده از دوران نوجوانی این کار را از مادرانشان آموخته‌اند و آن را بخشی از هویت خود می‌دانند.علاوه‌بر دقت و مهارت، چیق‌بافی جلوه‌ای از خلاقیت و سازگاری با محیط است. زنان عشایر با بهره‌گیری از موادی که در اطرافشان یافت می‌شود، نی، موی بز، پشم گوسفند و رنگ‌های طبیعی، هنری را خلق کرده‌اند که در عین سادگی، کارآمد و زیباست.

هنر «چیق‌بافی» که یکی از شاخه‌های صنایع دستی حصیربافی به شمار می‌آید، در گستره‌ای از کرمانشاه، آذربایجان غربی، ایلام، کردستان، فارس و بخش‌هایی از لرستان رواج داشته است. در برخی روستاهای این مناطق هنوز هم زنان سالخورده با دستی پینه‌بسته، چیق می‌بافند. نی‌های تازه از نیزار چیده و خشک و سپس با رشته‌های موی بز به هم بافته می‌شود تا پوششی سبک و مقاوم برای سیاه‌چادرها پدید آید. به پاس ارزش فرهنگی و تاریخی این هنر، چیق‌بافی سال ۱۳۸۹ در فهرست میراث ناملموس ملی ایران به ثبت رسیده است. ثبت ملی، نشانه‌ای از جایگاه آن در هویت عشایری و صنایع‌دستی کشور است؛ چرا که چیق نه‌تنها نماد خلاقیت و سازگاری انسان با محیط زیست است، بلکه سندی زنده از پیوند میان مهارت زنان و دانش بومی نسل‌ها به‌شمار می‌آید.

با این‌حال، تغییر سبک زندگی عشایر و کاهش کوچ‌نشینی سبب شده که چیق‌بافی نیز در خطر فراموشی قرار گیرد. امروزه بسیاری از خانواده‌ها دیگر از چادرهای سنتی استفاده نمی‌کنند و به دنبال آن، مهارت بافت چیق نیز به نسل جوان منتقل نمی‌شود. در بسیاری از مناطق، ابزارها و دارهای سنتی کنار گذاشته شده و تنها در برخی خانه‌ها پسا کارگاه‌های کوچک یادگار آن باقی است. چیق‌بافی تنها یک هنر نیست، بلکه زبان بی‌کلامی است میان انسان و طبیعت؛ زبانی که در آن نی، پشم و موی بز به هم می‌پیوندند تا روایتگر داستانی از سازگاری، خلاقیت و زندگی در هماهنگی با زمین باشند. اگر حمایت‌ها ادامه یابد، شاید روزی دوباره بتوان نسیم کوهستان را دید که در لابه‌لای چیق‌های تازه‌بافته به رقص درمی‌آید.

توریسم

راه‌اندازی یک پوش برای حمایت از خواب زمستانی خفاش‌ها

روئیای زعفرانی زاوه

رونق گردشگری تخصصی در حوزه کشاورزی باشد. در همین راستا، تورهای گردشگران به امامزاده سلطان حسین واقع ظرفیت‌های شهرستان زاوه و آشنایی گردشگران با مراحل تولید این محصول ارزشمند راه‌اندازی شده است. علاوه بر بازدید از مزارع زعفران، برنامه‌ریزی‌هایی نیز برای گنجاندن این محصول در بسته‌های سوغات مسافران، گردشگران و زائران درحال انجام است. زعفران تنها یک محصول کشاورزی نیست، بلکه بخش مهمی از فرهنگ، آیین و هویت مردم منطقه را در خود جای داده است. نحوه کاشت، داشت و برداشت آن با رسوم خاصی همراه است که باید مورد توجه و حفاظت قرار گیرد. یکی از سیاست‌های اصلی ما در کنار توسعه گردشگری، حفظ آیین‌ها و رسوم سنتی مرتبط با زعفران است. شور و نشاط مردم در ایام برداشت، به‌ویژه هنگامی که پیش از طلوع آفتاب برای چیدن گل زعفران به مزارع می‌روند، جلوه‌ای از فرهنگ اصیل کشاورزی ایران را به نمایش می‌گذارد و احیاء دوباره این سنت‌ها، خود نوعی جاذبه فرهنگی و گردشگری محسوب می‌شود. مسیر تبدیل زعفران به یک برند گردشگری شاخص در خراسان رضوی نیاز به الزاماتی دارد و تجهیز زیرساخت‌های برای جذب و میزبانی گردشگران باید صورت گرفته فراهم شود. همچنین توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی در ایمن مناطق نیز،

ازجمله برنامه‌هایی است که می‌تواند به جذب گردشگران و ماندگاری بیشتر آنان کمک کند. همچنین لازم است تبلیغات و معرفی این محصول، به‌ویژه ازسوی نهادهای دولتی و مدیریتی‌های شهری که از اعتبارات لازم برخوردارند، به‌صورت گسترده‌تری انجام گیرد.

تاریخی زاوه می‌توان به مسجد جامع و حمام نجف‌خان و از اماکن زیارتی این شهرستان به امامزاده سلطان حسین واقع در چمخاق و بی‌بی شهریانو در ۲۰ کیلومتری دولت‌آباد مرکز این شهرستان اشاره کرد.

شهرستان زاوه را به‌نام ملاعباس کاریزکی نیز می‌شناسند. وی عالمی بود که در سراسر زندگی به حقوق دیگران ارج نهاده و هنجارهای اجتماعی را رعایت می‌کرد. مرحوم حاج آخوند ملاعباس تربتی در سال ۱۲۸۸ قمری مصادف با ۱۲۵۱ شمسی در پانزده کیلومتری شرقی تربت حیدریه و روستای کاریزک در زاوه متولد شد و تا حدود چهل سالگی ساکن آنجا بود. این دانشمند معاصر خدمات ارزنده‌ای برای دروس اسلامی داشته به‌طوری‌که شاگردان بسیاری را تعلیم داده است.

ظرفیت توسعه گردشگری زعفران در زاوه

در این میان بیشترین زعفران کشور و دنیا در زاوه تولید می‌شود و روستاهای صفی‌آباد، شهن‌آباد و مرغزار بیشترین سطح زیر کشت این محصول را به خود اختصاص داده‌اند به‌طوری‌که سالانه ۴۰ تن زعفران خشک در این شهرستان تولید می‌شود. به گفته کارشناسان، شهرستان زاوه می‌تواند با استفاده از ظرفیت زعفران، زمینه ساز

هاجر شاهد جوقسان- خبرنگار «توریسم»/ زاوه سرزمین طلائی سرخ است که نیاکان ما آن را به‌نام شهر زو نیز نامیده‌اند و برخی نیز اعتقاد دارند زاوه همان سیای بلقیس است که سلیمان‌بن‌داوود، تخت ملکه را از این منطقه به سرزمین بنی‌اسرائیل برده است. تاریخ هزارتوسی زاوه، ریشه در افسانق تاریخ و افسانه‌ها دارد. بر اساس باورهای اساطیری، بنای زاوه یا زو که نام امروزی آن تربت حیدریه می‌باشد، در دوره پیشدادیان شاهنامه فردوسی وجود داشته و در آن زمان در این دیار پادشاه زو یا زو ته‌ماسب با تورانیان مبارزه کرده است. زاوه در دوره اسلامی، به ویژه در قرون اولیه، از اهمیت و رونق بسیاری برخوردار بوده است. این منطقه در مسیر جاده ابریشم قرار داشته و محل عبور کاروان‌های تجاری بوده است. در قرن ششم هجری، بیبئی در کتاب تاریخ بیبئی، از زاوه به عنوان ولایتی آباد با ۲۲۰ قریه یاد کرده است. در اوایل قرن هفتم هجری، زاوه مورد حمله مغولان قرار گرفت و دچار ویرانی شد. پس از حمله مغول، به‌تدریج نام زاوه به فراموشی سپرده شد و با ظهور قطب‌الدین حیدر، این منطقه به تربت قطب‌الدین حیدر و سپس تربت‌حیدریه معروف شد. در سال ۱۳۸۷، بخشی از شهرستان تربت حیدریه که شامل شهر دولت‌آباد و روستاهای اطراف آن بود، به شهرستان زاوه ارتقا یافت و دولت‌آباد به عنوان مرکز این شهرستان جدید انتخاب شد. تپه ها و محوطه‌های باستانی که در نقاط مختلف شهرستان زاوه توسط باستان‌شناسان مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته حکایت از وجود زیستگاه‌های انسانی مربوط به دوران پیش از تاریخ در این ناحیه دارد. براساس مطالعات تاریخی، اولین نشانه‌های زیست انسانی در زاوه به دوران ماقبل تاریخ بازمی‌گردد به‌طوری‌که پس از آن نیز زاوه یکی از آبادی‌های پرونق در قلمرو پارتیان بوده است. از آثار

گیشیگان عروس سبز راین است که در دل طبیعت سرسبز در جنوب غربی کرمان دلبری می‌کند.این روستا از مرکز شهر راین ۳۰ کیلومتر فاصله دارد و دارای چشمه دائمی می‌باشد. شغل اصلی ساکنان روستا کشاورزی و محصول عمده آنها گردو و باغات میوه است.

زمانی گیشیگان بیش از ۷۰ خانوار داشت اما از سال‌ها پیش کاهش رونق کشاورزی و دامپروری از یک‌طرف و ادامه تحصیلات و کار در صنعت از طرف دیگر باعث شد بسیاری از اهالی به شهر به‌خصوص کرمان مهاجرت کنند.اهالی گیشیگان از قدیم جزء باسوادترین مردم منطقه و از نظر سطح تحصیلات و فرهنگ بسیار پیشرو و روشنفکر بوده‌اند. بسیاری از فرزندان این روستا در رشته‌های مختلف پزشکی و مهندسی در معتبرترین دانشگاه‌های کشور تحصیل کرده و در بخش‌های مهم علمی و اداری و صنعتی شاغل‌اند. گیشیگان به‌دلیل داشتن چشم‌اندازی بسیار زیبا و منحصربه‌فرد در منطقه و داشتن مردمانی بافرهنگ و مهمان‌دوست، از دیرباز مورد توجه مسافران و گردشگران قرار داشته است به‌خصوص پس از ساخت سد که موجب افزایش چشمگیر بازدیدهای مسافران شده است. جنگل انبوه و سرسبز، رودخانه و آبگیرهای مناسب، باغ‌های گردو و میوه بخشی از زیبایی‌های کم‌نظیر طبیعت گیشیگان است. چشم‌انداز زیبای گیشیگان موجب استقبال گسترده گردشگران و افزایش ساخت ویلا در اطراف این روستا در چندسال اخیر شده است.

آبشار گیشیگان از مقاصد گردشگری و دیدنی‌های راین محسوب می‌شود و در ۳۰ کیلومتری راین واقع شده است. رودخانه گیشیگان که از ارتفاعات قله سرمشک سرچشمه می‌گیرد، با ریزش از ارتفاع هفت متری، آبشار گیشیگان را شکل می‌دهد. این روستا از نظر گردشگری ظرفیت‌های مناسبی دارد. آب‌وهوای مناسب به‌همراه باغات روستا، درختان قدیمی و از همه مهم‌تر قرار گرفتن رودخانه در مسیر این روستا ازجمله مهم‌ترین پتانسیل‌های روستا می‌باشد. ماه‌های اردیبهشت تا شهریور بیشترین گردشگران وارد منطقه می‌شوند و طبق گفته افراد محلی، روزانه حدود ۱۵۰ ماشین به محدوده وارد می‌شود که اوج ورود گردشگر در

اواخر هفته و روزهای تعطیل می‌باشد. دسترسی به این روستا از طریق جاده کرمان-راین به درب بهشت، سه‌راهی عنبرونک و سپس روستای گیشیگان ممکن است.



شیرین و فرهاد در ایوان

اینکه در سال ۱۳۷۹ مرمت شد. که در بخش زرنه، نزدیک روستای نیایشگاه مهر (میترا) می‌دانند اما مردم محلی آن را با افسانه شیرین و فرهاد پیوند داده‌اند.

فرزاد شریفی مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان اسلام نیز درخصوص این طاق باستانی به ایسنا گفت: بر اساس روایت محلی، فرهاد این طاق را در نیم‌روز ساخت تا شیرین شب را در آن بیاساید، به همین دلیل آن را طاق شیرین می‌نامند.

وی خاطر‌نشان کرد: افسانه شیرین و فرهاد در ایوان ایلام با

دوره ساسانی در استان ایلام است که در بخش زرنه، نزدیک روستای سرتنگ و در کنار رودخانه کنگیر قرار دارد.

وی خاطر‌نشان کرد: این بنا دارای ساختار چهارطاقی با ایوانی مربع‌شکل به ابعاد ۵×۵ متر و ارتفاع حدود ۱۰ متر است. دیوارهای آن یک متر ضخامت دارد و در مرکز بنا آتشدان قرار گرفته است.

این‌دانش آموخته‌باستان‌شناسی پیش از تاریخ توضیح داد: در بالای بنا سوراخ‌هایی برای خروج دود تعبیه شده و در گذشته دارای حیاط و دالان‌هایی برای طواف زرتشتیان

افسانه شیرین و فرهاد در ایوان نه‌تنها در شعر، بلکه در سنگ و معماری جلوه‌گر شده است و گردشگران را به‌خود می‌خواند.

شهرستان ایوان در شمال غربی استان ایلام، با ترکیبی از میراث تاریخی و طبیعت کوهستانی، یکی از مقاصد گردشگری کمتر شناخته‌شده اما بسیار ارزشمند در غرب ایران به‌شمار می‌رود. وجود بناهای باستانی از دوره ساسانیان در کنار افسانه‌های محلی، این منطقه را به فضایی منحصربه‌فرد برای علاقه‌مندان به تاریخ، فرهنگ و طبیعت تبدیل کرده است. ازجمله آثار برجسته این شهرستان



می‌توان به آتشکده سیاهگل و طاق شیرین و فرهاد اشاره کرد که نه‌تنها از نظر معماری و قدمت اهمیت دارند، بلکه با روایت‌های عاشقانه و آیینی در ذهن مردم منطقه پیوند خورده‌اند. این گزارش به بررسی ویژگی‌های این آثار و جایگاه فرهنگی آن‌ها در شهرستان ایوان می‌پردازد.

حبیب‌الله محمودیان، استاد باستان‌شناسی درخصوص آتشکده سیاهگل اظهار کرد: این آتشکده یکی از سالم‌ترین بناهای مذهبی

به دور آتش مقدس بوده است. محمودیان افزود: این آتشکده در سال ۱۳۷۹ با شماره ۲۷۹۳ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است. وی گفت: طاق شیرین و فرهاد نیز بنایی سنگی از دوره ساسانیان است که در روستای چهل زرعی، تنگ کوسک شهرستان ایوان واقع شده است. این طاق سنگی روبه جنوب‌شرقی در دامنه کوه ساخته شده و در طول زمان زیر خاک و شن مدفون شده بود تا

